

ف، هیرمند

## ایران ملوث به قاچاق و صدور ابزارهای جنگی غیر مجاز

دردنیای کنونی با وجود پیچیدگی آن سعی گردیده هر حوزه و عرصه ای، تا حد ممکن حائز ضابطه ها و معیار های گردانیده شود و این ضوابط و معیارها برای مواظبت از ارزش و ها تعهداتی که صورت گرفته، مورد استفاده قرار گیرد و یا حین کنترل و بررسی، رعایت قواعد حوزه مربوط، به حیث محک صحت روبه ها و یا برعکس محک تعیین و تثبیت عدول از قواعد مربوط به کار گرفته شوند.

در عرصه معاملات بی نهایت وسیع پیدا و پنهان خرید و فروش قانونی و غیر قانونی و مجاز و غیر مجاز جنگ ابزار ها یا تسلیحات و قاچاق آن، و نیز عرضه و فروش جنگ ابزار های نامجاز هم اسناد حقوقی حاوی ضابطه ها و دستاویز خیلی دقیق و کارآمد وجود دارد که توسط حقوقدان ها و متخصصین حوزه مربوط طرح و توسط مراجع با صلاحیت سازمان ملل متحد به تصویب رسیده اند. بلاخره منظور از این تذکر آن بود تا دانسته شود که وقتی مثلاً از تحویلدهی مشکوک تسلیحات و یا عرضه و تسلیم دهی تسلیحات نامجاز صحبت می شود، تأکید بر رعایت حتمی همین دستاویز را مطرح می نماید.

اخیراً خبری از منابع اطلاع رسانی شنیده شد که حزب الله لبنان اعلام نموده که راکت های با بورد معینی را از ایران دریافت کرده است، این موضوع محل اندیشه دارد که ایران مگر آیا واقعاً با ادعا های صلح جویانه اش صادق است و یا چطور؟؟ و باز در این شب و روز که مغازه های عاشقانه امریکا و جمهوری اسلامی ایران با گرمی آن جریان دارد و مقصد آن پیدا کردن چاره ای برای توجیه توافقات از قبل تعیین شده ای است، تا ایران به طور نظامند و قابل قبول از نیروی هسته یی خود استفاده برده و تحریمات اقتصادی آن برطرف شده و در بازار بین المللی به صورت رسمی وارد معامله شود. و آنچه که تا حال در خفا به نحوی دنبال می شده است، عریان و آشکار و با کمیت وسیعتر به عمل آورده شود. ولی باز هم این مسأله مهم تراز راکت رسانی به حزب الله لبنان، محل اندیشه دارد که آیا واقعاً به راستکاری و صداقت ایران حساب کرد و باورمند بود؟؟ تا متکی به همین صداقت، دسترسی به نیروی هسته یی معیاری را برای آن موافقه نمود؟؟ در حالیکه مسأله رعایت اصولیت این توافق، با در نظر داشت سوابق تخطی ها و جرایمی که در ساحه معاملات تسلیحاتی متوجه ایران است، موضوع را بحث بر انگیز هم ساخته است؟؟

. برای تشخیص اعمال و کردار دولت جمهوری اسلامی ایران و چگونگی ماهیت این عملکرد های آن نگاه کوتاه به قواعد مربوط به حوزه تسلیحات می افکنده می شود، با مطالعه و فهم این قواعد، صحت اعتراض بر این اقدامات ایران تثبیت و واضحت خواهد گردید، بعداً اعمال و اقدامات ایران در این زمینه زیر ارزیابی قرار داده می شود :

«پروگرام اقدام برای پیشگیری، مبارزه و ریشه کن کردن تجارت غیرقانونی سلاح های خورد و سلاح های خفیف در همه ساحات» مصوب سال 2001 که حاوی دوقطعه نامه می باشد؛ قطعه نامه اولی که به تاریخ 29 نوامبر 2001 تصویب گردیده است، برای مساعدت به دولت ها جهت مهار قاچاق اسلحه بوده و قطعه نامه دومی که به تاریخ 24 دسامبر 2001 تصویب شده، مربوط به تجارت غیر قانونی سلاح خورد و تسلیحات خفیف در همه ساحات

آن می باشد، این دو مصوبه هر دو در مجمع عمومی سازمان ملل متحد (که مشابه ارگان قانون گذاری آن ارگان است) تصویب شده اند.

به ارتباط موضوع، سر و کار ما با قطعه نامه دومی فوق خواهد بود، نخست در پاورقی این قطعه نامه می خوانیم که سلاح های خورد و خفیف که تجارت قانونی آن طبق شرایط آن پروگرام مجاز است، کدام تسلیحات را دربر میگیرند: «... اسلحه خورد و سلاح های خفیف سلاح های هستند که به وسیله انسان قابل حمل بوده و برای نیاز های ساخته و یا تغییر داده شده اند تا به عنوان ابزار های کشنده جنگی مورد استفاده قرار گیرند. سلاح های خورد سلاح هایی هستند که به طور گسترده ای به عنوان سلاح های طبقه بندی می شوند که برای استفاده افراد نیرو های مسلح یا امنیتی ساخته شده اند و شامل تفنگچه و سلاح های اتوماتیک، تفنگ های معمولی و تفنگ های خفیف میله کوتاه؛ ماشیندار دستی خفیف؛ تفنگ های تعرضی و ماشیندار های اتومات خفیف هستند. سلاح های خفیف به طور گسترده ای به عنوان سلاح هایی طبقه بندی می شوند که برای استفاده چند عضو نیرو های مسلح یا امنیتی که به عنوان خدمه خدمت می کنند، ساخته شده است. این سلاح ها شامل ماشیندار ثقیل، بمب دستی و بمب انداز های ناصبه؛ ماشیندار های مدافعه هوایی قابل حمل، راکت انداز های ضد تانک، تفنگ های بدون ملحقه عقبی، وسایل پرتاب راکت، و راکت قابل حمل ضد تانک، وسایل راکت انداز قابل حمل مدافعه هوایی و آوان های دارای بورد - نیررس- کمتر از 100 میلی متر هستند.»

همچنان در مقدمه بخش سوم قطعه نامه دومی، در بند 2 الف آن می خوانیم:

**الف:** « هر دولت شرکت کننده در بررسی پیشنهاد ها برای فروش سلاح های خورد موارد زیر را در نظر خواهد داشت:

یک: احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادی در کشور دریافت کننده.  
 دو: موقعیت داخلی و منطقه ای در داخل و اطراف کشور دریافت کننده، از لحاظ تنش ها یا مناقشات مسلحانه.  
 سه: سابقه کشور دریافت کننده از لحاظ رعایت تعهدات بین المللی خود، مخصوصاً در مورد عدم استفاده از زور در زمینه عدم تکثیر یا حوزه های دیگر کنترل تسلیحات و خلع سلاح و سابقه احترام به قوانین بین المللی حاکم بر هدایت و اداره مناقشات مسلحانه.  
 چهار: ماهیت و قیمت سلاح های موضوع معامله در ارتباط با شرایط کشور دریافت کننده، از جمله نیاز های دفاعی و امنیتی مشروع آن و جلوگیری از اختصاص منابع انسانی و اقتصادی آن برای خریداری تسلیحات و جنگ افزار.

.....

**پ:** هر دولت شرکت کننده، از صدور جواز صادرات، هر جا که تشخیص دهد، خطر آشکار استفاده از سلاح های خورد مورد بحث، در موارد زیر وجود دارد، خود داری خواهد کرد:

- 1- برای نقض یا سرکوبی حقوق بشر و آزادی های بنیادی از آن استفاده شود.
- 2- امنیت کشور های دیگر را تهدید کند.
- 3- ...
- 4- تعهدات بین المللی خود را مخصوصاً در رابطه با ... قرار داد های عدم تکثیر سلاح های خورد یا سایر قرارداد های مربوط به کنترل تسلیحات . خلع سلاح نقض کند.
- 5- مناقشه مسلحانه موجود را، با توجه به نیاز مشروع برای دفاع از خود طولانی یا تشدید کند یا پیروی از قوانین بین المللی حاکم بر مدیریت مناقشات مسلحانه را به خطر اندازد.
- 6- صلح را به خطر اندازد، باعث انباشت بیش از حد وی ثبات کننده سلاح های خورد شود یا به صورت دیگر به بی ثباتی منطقه ای کمک کند.
- 7- دوباره در کشور دریافت کننده فروخته (یا به صورت دیگر) به جریان افتد، یا مجدداً برای مقاصد غیر از هدف های این سند صادر شود.
- 8- برای سرکوبی مورد استفاده قرار گیرد.
- 9- از تروریسم حمایت یا آنرا تشویق کند.
- 10- جنایت سازمان یافته را تسهیل کند.

.....

ایران نه در یک مورد که در چندین مورد به طور آشکار و غیر قابل توجیه قطعه نامه های سازمان ملل متحد ناظر به قواعد منع قاچاق، منع معاملات تسلیحات غیر مجاز و معاملات غیر مجاز جنگ ابزار ها را نقض کرده است؛

در این جا چند نمونه از معاملات سراپا تخلف و تخطی ایران در عرصه پخش تسلیحات در زیر تذکر داده می شود و بعداً در باره آنها تذکراتی به عمل می آید.

**1 -** نخست معاملات پنهان تسلیحاتی ایران را با طالبان کشور خود ما، افغانستان به خاطر می آوریم: در 9 مارچ سال 2011 میلادی بی بی سی از قول نطق آیساف در افغانستان اطلاع داد که به تاریخ 19 ماه فبروری همان سال، یک محموله قاچاقی تسلیحات که از ایران به آدرس طالبان وارد خاک افغانستان میگردد به دست عساکر آیساف افتاده است، این محموله حاوی 48 میل راکت 122 میلیمتری با بورد- تیررس- بیست کیلومتری است که برای طالبان ارسال گردیده بود، اگر چنین سلاح های به دست طالبان برسد و یا رسیده باشد، به گفته وی به صورت جدی وضعیت جنگی را در افغانستان تغییر خواهد داد، این محموله در ولایت نیمروز در سرحد میان ایران و افغانستان دستگیر شده است که گرچه مارک، نشان و تاپه ایران بر آنها حک نمی باشد اما جزئیات فنی و مشخصات تولیدی آن کاملاً و صد فیصد با محصولات ساخت ایران که دارای تاپه و نشان آن کشور است مطابقت تام دارد و قراین قرین به واقعیت حاکی از آن است که مرجع ارسال کننده آن سپاه پاسداران ایران می باشد، این محموله با سه موترلاری در آن نقطه ای از سرحد ایران و افغانستان که با سرحد پاکستان نیز فاصله ای نه دارد به دست عساکر

آیساف افتاده است. آژانس خیر گزارى فرانسه نیز این رویداد را تأیید کرده و علاوه نموده است که قبل از این هم مراجع دولت جمهوری اسلامی ایران چندین بار به طالبان افغان تسلیحات قاچاقی و سلاح های غیر مجاز مانند ماین های ثقیل ضد پرسونل و ضد تانک فرستاده است که گاهگاهی توسط عساکر دولت افغانستان و آیساف برگشتانده شده و ضبط گردیده اند که دارای نشان و تاپه ساخت ایران می باشند. همان وقت یکی از مقامات بلند پایه آیساف توضیح نمود که قبل از این نیز دولت ایران از طریق شبکه های فعال و مخفی خود برای شورشیان افغان مقدار

مهمات، مواد اولیه ساختن بمب و راکت و " آر پی جی" ارسال نموده بوده است. اما مقامات ایران بدون ارائه دلیل موجه تعلق خود به این وقایع را رد کرده اند.

**2 -** بعد از خروج عساکر امریکایی از عراق و ناتمام گذاشتن پروسه بی ثبات سازی عراق توسط این ابر قدرت، ایران با تشبث و مداخله آزمندانه، این پروسه بی ثبات سازی در عراق را به اكمال رسانید، آخوند های ایرانی بنابر تمایلات سیاسی- ایدئولوژیک ایشان گروه معینی از باشندگان عراق را با دادن امتیاز های نظامی تسلیحاتی از سایر برادران عراقی ایشان تجرید کرده و این گروه ها را با آن برادران ایشان به جان هم انداختند، تا هم عراق رقیب، بیش از پیش تضعیف شود و نیز عناصر متحد و نزدیک به آخوند ها، دست بلندی در حاکمیت عراق داشته باشند. نقش ایران آخوندی در ویرانی و فجایی که عراق آنرا متحمل می شود کمتر از ضربات و صدمات وارده به وسیله امریکا نیست. ایران به طور طبعی همچون متحد امریکا در عراق عمل نمود و چنان نقشی در این کشور مصیبت زده برای خود کسب کرد که حتی باری امریکا برای انسجام بیشتر وضع رقتبار عراق نقش ایران را ستود. سلاح های که عراقی ها حین به جان هم افتادن و برای کشتن همدیگر از آنها استفاده نمودند، فیصدی قابل توجه آنها ساخت ایران بوده است، انواع و ارقام این تسلیحات ایرانی استعمالی در عراق چنان زیاد است که حساب آن را نه کسی گرفته و نه آنرا کدام حرکت تعجب آور تشخیص کرده اند، گویی ایران این عمل را در «خانه» خودش به اجرا گذاشته باشد.

**3 -** فاجعه عظیم و برباد گر سوریه که قربانی رویای کابوس آفرین "بهار عرب" گردیده است، به نحوی با مداخلات و سیاست های نظامی و تسلیحاتی نظام آخوندی ایران گره خورده است، غربی ها از دیر زمانی آرزوی بی ثبات سازی سوریه را داشتند، زیرا سوریه از متحدین نزدیک ایران و روسیه در منطقه حساب میگردد، حس می شود که پلان فاجعه سوریه، بر این نیت طرح شده باشد که تمام ذخایر سلاح های آن منطقه باید به مصرف برسند، برای این هدف نیاز بر آن بود تا گروهک های ساز و سامان داده شوند و این سلاح ها را مصرف کنند و مهم نیست که این گروهک ها از چه قماش باشند و به چه ایدئولوژی مجهز گردند، آنچه مهم است مصرف ذخائر سلاح ها و سقوط حاکمیت بشار الاسد متحد ایران میباشد ولی عوارض جانبی که ناشی از تطبیق این پلان بروز نمود دقیقاً روشن نیست که آیا تصادفی است و یا این بخش سناریو هم شامل پلان بوده است؟! ... و به تحقق پیوستن این پلان، همچو ماشین دهشتناک انسان خوار، مردم بی دفاع، مظلوم و ستمدیده سوریه را از تیغ می کشد که تا آن دم لگد دکتاتور های سوریه برای شان آشنا بود، اما از آن شنیع تر و وخیمتر آن را تصور هم نمی کردند. این وضعیت تا حدودی محصول حرص و آز ایران آخوندی و گاهی هم حساب کردن زیاد بر مسلح سازی متحدین اش بوده باشد. دشوار و بسیار دشوار است در شرایط کنونی سیاست تسلیحاتی این یا آن قدرت های ملوث در سوریه را در ارسال، تجارت، فروش، قاچاق و حمایت تسلیحاتی اش مورد قضاوت قرار داد. به هر صورت در فاجعه سوریه، آخوند های ایرانی در یک طرف جنگ کنار بشار الاسد استاده اند و مواد مصرفی ماشین به کار افتاده جنگی را در آن جا تأمین میکنند...

**4 -** در 29 جنوری 2009 کشتی روسیه بنام "مونچه گورسک" حامل سلاح و جنگ افزار که از ایران بارگیری و حرکت کرده بود توسط مقامات پولیس قبرس متوقف شد، توقف این کشتی از جانب مراجع سازمان ملل متحد تقاضا گردیده بود، ارگان های نظامی امریکا پیش بینی میکردند که این محموله جنگ افزار قرار بود به حماس رسانیده و تسلیم شود. قبرس حاضر نه شد کشتی را به ایران مسترد نماید و به ضبط آن همت گماشت و استدلال نمود که محموله آن از تسلیحات متعارف بوده و گویا برخلاف استنباطات مراجع امریکایی مناقض قطعه نامه 1747 نه بوده است، شاید این بهانه قبرس را کمک می نمود تا سلاح های ضبط شده را برای خود نگهدارد.

**5 -** در نوامبر سال 2009 دولت صیهونیست اسرائیل اعلام نمود که کشتی حامل تسلیحات را در نزدیکی جزیره قبرس متوقف ساخته است که بعداً آنرا به بندر اسدود در اسرائیل انتقال داده و مورد تلاشی قرار داده است، در این کشتی در حدود سه هزار راکت دور بورد، بمب های دستی، مهمات و آوان کشف گردید که گویا به حزب الله لبنان و یا هم شاید برای گروه حماس تحویل داده میشده است. اسرائیل این سلاح ها را جهت ملاحظه رسانه ها به نمایش نیز گذاشت. مسؤلین اسرائیلی توضیح نمودند که بارنامه محموله، اثبات گر این حقیقت است که کشتی از ایران بارگیری کرده است و اموال از همان جا به حرکت افتاده است. اما مقامات ایران این ادعا ها را مورد تردید قرار دادند.

**6 -** در سال 2002 کشتی "کارین آ" که حامل 50 تَن سلاح بود، کشف گردید، اسرائیلی ها مدعی بودند که این تسلیحات از ایران به حرکت افتاده و به غزه ارسال میشده است.

**7 -** بلاخره در ماه اکتوبر 2010 مراجع امنیتی ناپجیریا یک کشتی حامل 13 کانتینر سلاح را همراه با یک شخص عضو سپاه پاسداران ایران به نام آقا جانی توقیف نمود، مقامات قضایی آن کشور برای اثبات جرم، در جریان محاکمه شخص مذکور، به سلاح های داخل کشتی استناد نمودند. یعنی موجودیت سلاح های ایرانی به وضاحت و آشکارا ثابت بود.

**8 -** در 27 اکتوبر 2009 مقامات یمن اعلام نمودند که یک کشتی حامل سلاح را در بندر میدی آن کشور دستگیر نمودند، که همراه با آن 5 نفر راکبین ایرانی آن نیز دستگیر شدند، در کشتی عمدتاً گلوله های ضد تانک بود که حمل میگردید، به گفته محافظین، یمنی، این سلاح ها به مخالفین دولت یمن انتقال می یافت

**9 -** اخیراً در 15 جنوری 2015 مؤسسه تحقیقات تسلیحات نظامی برتانیه بر اساس معلومات معتبر توضیح نموده است که سلاح های ایرانی و چینی که به افریقا فرستاده شده بود، به سلکا رسیده است در توضیح مذکور آمده است که سلاح های مذکور نخست به سودان رسیده و مجدداً در آنجا بسته بندی شده و به سلکا در افریقای مرکزی برای گروه های شبه مسلح مسلمان رسیده است که بروی قسمتی از این سلاح ها، مشخصات فنی ایرانی بودن آنها وضاحت دارد.

(وقایع مندرج این نگارش به استناد اخباری بی سی جمع آوری شده است و میتوان آنرا در صفحات آن دستیاب نمود)

وقتی به این معاملات ایران به طور جدی تعمق به عمل آید، این توزیع و قاچاق تسلیحاتی در داغترین نقاط دنیای ما صورت گرفته است در افغانستان، در عراق، در سوریه، در فلسطین، در لبنان، در یمن، در نایجریا در افریقای مرکزی و... شاید در جا های دیگر.

به این صورت سلاح های معمول جنگ های جاری و خانمانسوز در آن نقاط دنیا را، اسلحه جات ایرانی احتوا میکند و یا حصه ای از این افزار های جنگی را دولت جمهور اسلامی ایران تأمین می نماید، ایران اهداف معین سیاسی، ایدئولوژیک و هم اقتصادی از این فروش، قاچاق و ارسال تسلیحات به دیگر نقاط دنیا را در سر دارد؛ فراهم نمودن شرایط نفوذ سیاسی، ایجاد و تقویۀ جبهات ضد غربی- مخصوصاً ضد امریکایی - تشکیل و تقویۀ عناصر هم خط ایدئولوژیک ایران، که میتوانند، گروه های متعصب و حرف شنو خوب بوده و مصرف کننده و خریدار وفادار تسلیحات ایران "برادر!!" باشند و بعد تشویق و تحریک آنها در مقابل آنهایی که برون از خط ایدئولوژیک ایران قرار دارند، این سیاست و مداخلۀ نیابتی فرصت های طلایی را برای ایران جهت بی ثبات سازی مناطق مورد علاقه اش مساعد می سازد، این انگیزه ها به نحوی در بحران های عراق، سوریه و اخیراً در یمن به وضاحت قابل درک است.

دولت آخوندی ایران همین حالا به طور واضح زریعۀ مخبرینش در بسیاری از کشور های منطقه سرگرم گسترش ایدئولوژیک- سیاسی توسعه جویانه است؛ در یمن عناصر وابسته به دستگاه های ایران تقلا میکنند تا در سهمگیری عادلانه قدرت، تخریش و اختلال ایجاد کند و خود را حامی عده ای از یمنی ها نشان بدهد و هم عده ای از آنان را تحریک به آن نماید تا خواسته های را مطرح کنند که نابرابری غیر قابل قبول را در قبال داشته باشد، هدفی که بحران آفرین بوده و دوام بی ثباتی را ممکن می سازد، اینک تلاش های جداگانه ولی موازی و به عین استقامت القاعده و بعضی از عناصر ایران نواز حالا یمن را در بی ثباتی جدی قرار داده است.

آخوند های ایران سلاح های خود را به گروه ها مقیم آن کشورهای به فروش میرسانند که منابع غنی و سر شار طبیعی را دارا اند و این گروه ها به نحوی از این منابع خود را تمویل میکنند؛ شاید بعضی از این گروه ها پول چندانی نه پردازند اما در ازای تسلیحات، محافظت های مهم سیاسی و استراتژیژیک برای ایران فراهم می کنند، کاری که طالب ها آگاهانه و یا نا آگاهانه برای ایران انجام میدهند، یعنی امریکا را نمی گذارند که خیال آرام داشته و از سرزمین افغان ها به چرت اذیت و آزار ایران بی افتد. متبافی مشتریان سلاح های ایرانی مثل سوریه، عراق، نایجریا و... اگر حالا بهای این تسلیحات را نه پردازند، فردا ها جور و دوچند آنرا خواهند پرداخت. و اما به رویت اسناد و قوانین بین المللی آسیب های دیگر ارسال و پخش سلاح در قسمت های آسیای جنوبی، شرق میانه، نایجریا و افریقای مرکزی و... اینها خواهند بود:

- با سلاح های ساخت ایران، خون هزاران انسان بیگناه ریخته و یا هزاران انسان به خاک و خون نشستند، رژیم آخوندی ایران در قتل و کشتار انسان های معصومی که در مناطق پخش سلاح های آن، مسکون بوده اند، مسؤولیت جدی دارد، دولت ایران مسبب آسیب های آنی و طویل المدت استفاده از تسلیحات آن، در کشور های مذکور خواهد بود.

- ایران حق و اجازه نداشت و ندارد که مخصوصاً در آن مناطقی از جهان که حقوق بشر به صورت گسترده ای نقض می شود و یا در آن مناطقی از دنیا که قبلاً در بحران و تنش قرار داشته و یا عوامل ظهور و بروز بحران به طور آشکار قابل مشاهده و درک است به توزیع و تقسیم سلاح دست بزند و بر خلاف همه اصول و قواعد حقوق بشری به قاچاق، فروش نامجاز و فروش سلاح های ممنوعه اقدام نماید و نیز مناطقی که از نظر ثبات سیاسی داخلی و منطقوی آسیب پذیر و شکننده اند، به پخش تسلیحات مبادرت ورزد.

- ایران مغایر تمام اسناد حقوق بشری به مسلح نمودن قدرت های متوسل میشود که مرتکب جنایات علیه بشریت منجمله جنایات جنگی، جینوساید و کشتار مخالفان سیاسی خود می باشند.

- بدون شک این مسلح نمودن غیر مسؤولانه مناطق وسیع نقاط بحران زای ذکر شده، باعث تهدید و ناامن گردیدن ممالک همجوار میگردد، این امر سبب شده تا خود ایران نیز اخیراً از جهاتی سرحدات خود را کمتر در امنیت احساس نماید، ایران از این ها هم بیشتر گام گذاشته و عساکر آن به نام مستشار نظامی در سوریه و عراق مشغول

نبرد با هیولای از زیر زمین برون آمده «داعش» اند که تا حال دو مقام عالیرتبه نظامی ایرانی در این کش و گیر های آن منطقه کشته شده اند.

- ایران نه تنها بودجه دولت ها و یا گروه های را که منطقاً بایستی در امور بشری و صلح آمیز به مصرف برسد در ازای جنگ ابزار های خود دریافت میکند و متقابلاً جوهری را که خود ایران در امور تأمین نیاز های اولیه مردم اش به مصرف برساند، آنرا صرف پروژه های بلند پروازانه دسترسی به نیروی جنگی هسته یی می نماید.

- پخش تسلیحات باعث افزایش جرایم خشونت بار گردیده و مخصوصاً تروریسم را تقویه، تشویق و تسلیح می نماید. با در نظر گرفتن سوابق ذکر شده بالا در مورد پیشینه سیاه رژیم ایران، دشوار خواهد بود که آن کشور در ادعا و تعهدش مبنی بر استفاده صلح آمیز و غیر نظامی از نیروی هسته یی اش صادق و پایند باشد، بالخاصه برای افغانستان که در همسایگی این کشور قرار دارد و همین حالا قربانی مداخلات استخباراتی آن می باشد، پیام نامیمونی خواهد بود که از یک سمت دیگر از سرحدش محصور به یک قدرت دیگر هسته یی گردد.

دول مقتدر جهان منجمله ایالات متحده امریکا متکی به معاهدات و پیمان های قاعده مند ساز امور تسلیحاتی، غالباً مجاز نه خواهند بود تا دریافت جواز داشتن قدرت هسته یی را برای ایران اصولی بدانند مگر آنکه مثل همیشه بر مبنای منافع سیاسی و استراتژیک خود در زمینه تصمیم بگیرند، یعنی نه قواعد بین المللی، بلکه سیاست هایشان را اساس تصمیم قرار دهند.

پایان